



هنرهای تجسمی

پروژه گاه هنر انسانی و مطبوعات هنرهای تجسمی

پرتال جامع علوم انسانی



مردم ایران اسلام را پذیرا شدند و به دستورات آن عمل کردند و در دل شهرها پدیده‌هایی نو به وجود آوردند و آن ساختن مسجد بود.

در سده‌های اولیه اسلام ستایش پروردگار فزونی گرفت و مسجد را مکانی متبرک برای نیایش و توسل به خدا انتخاب کردند.

لفظ مسجد «بیت‌الله» خانه خدا نام خانه کعبه را برای مردم تداعی می‌کرد مقدس دانستن محل مسجد به تدریج تا جایی رسید که برای ورود به مسجد قوانینی خاص معین گردید. بدعتی که پیامبر اکرم «ص» برای نماز جماعت گذاشتند مردم را بر آن داشت که نماز جماعت را در مسجد به جا آورند و در اسلام به جای آوردن نماز جماعت منزلتی خاص دارد زیرا فرد را با جامعه پیوند می‌دهد و حرکت جامعه را یک جهت می‌نماید و بیانگر زهد و تقواست.

نماز جماعت خاص نمازهای پنج‌گانه است که در مساجد به طور عام انجام می‌گیرد ولی به دستور پیامبر

محمود ماهرالنقش

مساجد اصفهان

مسجد محلی است معتبر و باید از اعتبار ساختمانی و هنری خوبی برخوردار باشد و یک حالت تقدس را به وجود آورد و این بدان جهت است که تمام ادیان دنیا محل عبادتگاه‌های خود را از شایسته‌ترین هنرها پر کرده‌اند و اسلام که یکی از برگزیده‌ترین ادیان الهی است و قوانینی در آن لحاظ شده بنا بر این معماران و هنرمندان را بر آن داشت که از مصالحی استفاده کنند و هنری را به کار برند که در آن حالت روحانیت محفوظ

اکرم «ص» نماز جمعه که در ظهر هر جمعه به طور جماعت انجام می‌گیرد باید در مسجد جامع هر شهر باشد بنا بر این هر شهر دارای یک مسجد جامع است که در روز جمعه مردم را در یک محل و یک مکان دور هم جمع می‌کند.

این مساجد را مسجد جمعه یا مسجد جامع «یا مسجدالاعظم» می‌نامیدند. مسجد جمعه را به نام‌های مسجدالخطبه «جامع الخطبه» یا مسجدالمنبر نیز گفته‌اند.

بماند.

در ساختمان مساجد قبله که خط مستقیمی را به طرف خانه خدا (کعبه) نشان می‌دهد مورد توجه بود، در طرف قبله محراب که محل امام جماعت و به دنبال آن مکان نمازگزاران می‌باشد باید مشخص باشد. ورودی، گنبد و مناره از ویژگی‌های دیگر مساجد است که مردم نمازگزار را به طرف خود جلب می‌کند. در مسجدسازی در وحله اول محل مسجد را مشخص می‌کردند که این مسجد می‌تواند دو یا سه محله را به هم ارتباط دهد. پیوند محله‌ها با داشتن چندین در و ارتباط آنها با یکدیگر صرفه‌جویی در وقت و آمد و رفت نزدیک‌ترین راه را به همراه داشت ارتباط بین افراد سریع‌تر انجام می‌گرفت و کارها با سرعت بیشتری پی‌گیری می‌شد در وقت نماز جماعت از همه محله‌های اطراف به مسجد برای اقامه نماز در یک صف و پهلوئی یکدیگر قرار می‌گرفتند و در یک نیایش دسته جمعی شریک بودند و بعد از نماز با حال و احوال‌پرسی از حالات یکدیگر با خبر می‌شدند و اگر دردمندی در میان بود درد او را دوا می‌کردند و اگر حاجت‌مندی بود حاجت او را روا داشتند و به کمک و یاری یکدیگر می‌شتافتند.

بیشتر مساجد بزرگ اصفهان از زمان صفویه به این طرف بدین شکل عمل شده که اگر احياناً در صحن مسجد جای نمازگزاری باشد ارتفاع آن از سطح پیاده رو مسجد بلندتر ساخته و به نام مهتابی معروف است، درهای مسجد از سه طرف به مسجد باز می‌شد شمالی، غربی یا شرقی و هیچ‌کدام از مساجد در جنوبی نداشتند و پشت به قبله ورود به مسجد را مکروه می‌دانستند حوض خانه و محل تطهیر همیشه در طرف غرب یا شرق و یا شمال ساخته می‌شد به طوری که اگر نمازگزاری مشغول به نماز باشد محل دست‌شویی‌ها در طرف چپ یا راست و یا پشت سر او باشد. کار هنرمندان همیشه بر پایه مذهب و سنت‌ها که

نسل به نسل، سینه به سینه به یکدیگر انتقال پیدا کرده استوار بوده است. در هنر معماری‌های مختلف جهان در عبادت‌گاه‌ها مانند کلیسا، معابد و غیره سنت‌های مخصوص به خود را حفظ کرده‌اند و هنرمند و معمار ایرانی در اماکن متبرکه و مساجد یک حالت سمبولیک را رعایت کرده‌اند و آن گنبد و مناره یا سردرهای رفیع با تزیین‌های بی‌نظیر به وجود آورده که مورد توجه مؤمنان و نشانه بارزی از عبادتگاه مسلمین باشد که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. روانشان شاد و روحشان آزاد.

مردم اصفهان که در انتخاب دین اسلام پیش قدم بودند و سخت پای‌بند اسلام شده بودند مسجدسازی را به نحو احسن شروع کردند. مساجدی که در دوران آغازین اسلام در اصفهان ساخته شد و در اثر مرور زمان و تحولات و دگرگونی‌ها از بین رفتند و فقط نامی از آنها در کتاب‌ها به یادگار مانده است به شرح آنها می‌پردازیم:

مسجد خرابه که به جای آن مسجد شیخ لطف‌الله در زمان صفویه ساخته شد یا بهتر است بگوییم تجدید بنا گردید. مسجد آقاسی که در محله کهنه اصفهان بنا گردیده بود و عوام آن را نقاره‌خانه ملک‌شاه می‌گفتند و در زیرزمین آن چاهی بود که به نام چاه دجال معروف بود و با کاشی‌های ستاره شکل که منظره البروج و ماه و خورشید بر آن نقش بسته بود تزیین گردیده بود. مسجد سدید در بازار امیر سعید بابلاق واقع و تا قرن هشتم ه. ق دایر بوده است. مسجد بازارچه خواجه محمود در بازار خواجه محمود که تا قرن هشتم ه. ق دایر بوده است. مسجد امام محمود شفره در بازار خواجه محمود قرار داشته و تا قرن هشتم ه. ق دایر بوده است. مسجد باذانه در محله باذانه یهودیه اصفهان واقع شده که در ۱۵۰ ه. ق بنا گردیده است. مسجد محمدبن سعید صباغ در بازار خواجه محمود دایر بوده است. مسجد روبه‌روی بازار عسگریه در مجاورت بازار

عسگر اصفهان واقع و تا قرن هشتم ه. ق دایر بوده است. مسجد و کاروانسرای دومناره در محله دردشت واقع و در جای کاروانسرا دومناره بوده که هنگام مبارزه شیخ ابواسحاق با مبارزالدین در اثر ضربه منجنیق ویران گردیده و روی آن کاروانسرای دومناره ساخته شده است ارتفاع مناره‌ها چهل متر و دارای پلکان معمولی بوده است. مسجد بابا سوخته یا مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان در انتهای محله جوباره با دو مناره خود به مناره باغ قوشخانه که در حال حاضر وجود دارد متصل بوده است و گویند بانی آن سلطان ابوسعید بهادرخان بوده که در قرن هشتم ه. ق بنا گردیده است.

سیاحان اروپایی که خرابه‌های این مسجد را دیده‌اند آن را یک قطعه جواهر توصیف کرده‌اند و در آن زمان اطراف مناره‌ها از کاشی‌های رنگارنگ گران بها تزیین شده بود و گفته‌اند که حاشیه کاشی‌ها با خطوطی سفید بر زمینه سبز نوشته شده بوده است.

مسجد جامع خشینان: مسجد جامع خشینان در دوران خلافت طاهری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام و به کوشش ابوحناس آزاد کرده عمر بن خطاب خلیفه دوم در محله خشینان که از دهات متصل به یهودیه اصفهان بود بنا گردیده که اکنون اثری از آن به جای نمانده لیکن بعضی از نویسندگان و کاوشگران حدس می‌زنند که در محدوده امامزاده اسمعیل و احمدآباد که همان محله خشینان است بوده و به گفته ابونعیم اصفهان مسجد جامع خشینان را ایوب بن زیاد ساخته است. مسجد جامع شهرستان که در سال ۲۵۰ ه. ق در شهرستان جسی دایر گردید و مؤذن آن ابوالحسن حامد بن الساور بن یزید هلالی بوده است. مسجد حفص بن معدان در قرن سوم ه. ق به دستور حفص بن معدان بنا گردید و مؤذن آن ابواسحاق ابراهیم بن عبینه بوده است. مسجد درب طوقچی که در مجاورت بقعه اسدبن جنید واقع بوده که در حال حاضر اثری از آن نیست فقط یک لوح سنگی بر دیوار جنوبی

مسجد حکیم اصفهان

اداره فرهنگ اصفهان نسب است که بر روی آن چنین نوشته شده که به همت مردی به نام حاجی یاریک صباغ ساخته شده و موقوفاتی برای مسجد و بقعه سلطان قرار داده است و این کار در سال ۱۰۴۴ ه. ق و در دوران سلطنت شاه صفی انجام گردیده و لوح به خط نستعلیق برجسته است.

مسجد دروازه اردستان در محله رامیان واقع بوده و در حدود قرن سیزدهم ه. ق آن را تبدیل به باغ نموده و مسجد را از بین برده‌اند.

مسجد شجره در خیابان شاه عباس بر روی خرابه‌های یک مسجد بنا شده است.

مسجد عبدالله بن کوشید که مهرا بن شیبب مؤذن آن و عبدالله بن کوشید آن را بنا کرده و در حال حاضر از آن اثری نیست.

مسجد طیبه در حوالی مسجد حکیم که ظاهراً با مدرسه طیبه به نام‌های میرزاتقی و حواییگم و کلباسی نیز معروف بوده و اکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد متصل بوده است.

مسجد درویشان در محله خواجهو در مجاورت مدرسه درویشان و قبر حسن شاه بوده است. مسجد مستوفی که به دستور میرزا شکراله مستوفی از مستوفیان معروف زمان شاه طهماسب صفوی ۹۸۴ - ۹۳۰ هـ ق در سال ۹۱۸ هـ ق که از طرف شاه به منصب استیفا منصوب شد در محله خواجهوی بزرگ اصفهان بنا گردید و اکنون اثری از آن نیست.

مسجد شیخ‌بهایی در خیابان شیخ‌بهایی بر روی یکی از مسجد خرابه‌های گذشته بنا شد.

مسجد سلمان در دیه جیان اصفهان است که زیارتگاه مردم بود که اکنون اثری از آن نیست.

مسجد حسینیه شهشهان که شاه علاءالدین محمد بانی آن بود و پس از فوت جسد او را در آن مکان دفن نمودند و به مرور زمان مسجد، خانقاه و مدرسه از بین رفته است و گویند اطرافیان آن را به خانه مبدل کرده‌اند. مسجد فضل بن برغوث که فضل بن برغوث اصفهانی پیش از قرن چهارم هجری آن را در اصفهان بنا کرده بود اکنون اثری از آن مسجد نیست.

مسجد مصلی در خارج محله طوقچی بنا شده بود و در زمان دیالمه مصلی شهر بود و اکنون اثری از آن نیست ولی گویند ممکن است همان مسجد معروف عمر باشد.

مسجد قبا در خرابه‌های عباس‌آباد اصفهان بود که با فتوای علمای دین آجر و مصالح آن در مسجد نوبه کار برده شده است.

مسجد جامع عباس‌آباد در قرن یازدهم هـ ق در محله عباس‌آباد دایر شد و حجراتی در آن تعبیه شده بود که طالبان علم و شعرای عارف در آن حجره ساکن بوده‌اند گویند از آن جمله شیخ عماد پسر میرزا ابراهیم

خوش‌نویس تبریزی متخلص به رافع یا ارفع که در کمال قناعت زندگی می‌کرد و گاهی شعر هم می‌سرود. این مسجد در آن تاریخ مسجد جامع بوده که اکنون اثری از آن نیست.

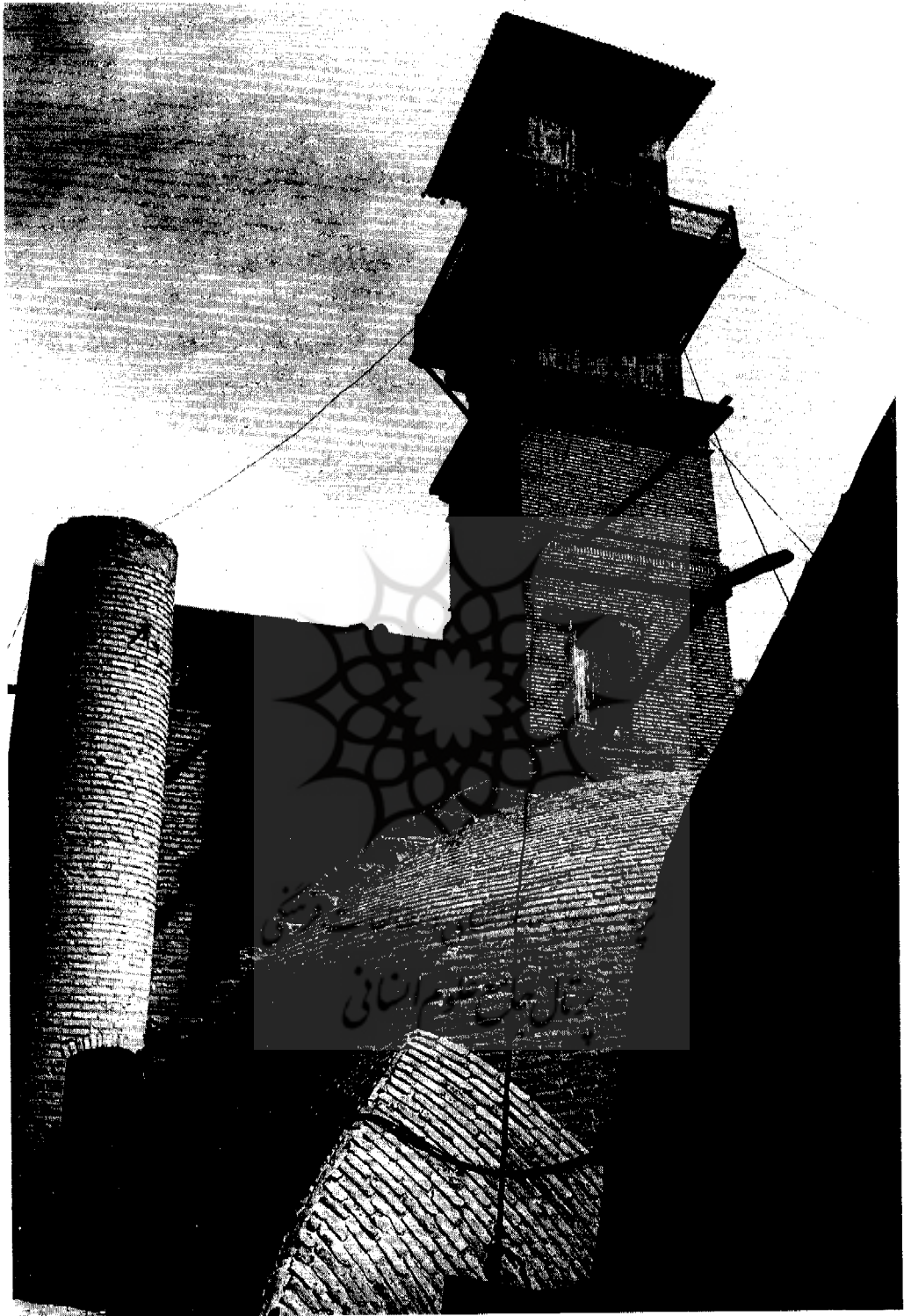
مسجد ابومسعود رازی در محله در شیخ در مجاورت مقبره شیخ ابومسعود رازی واقع بوده و به فتوای یکی از علمای قرن سیزدهم خراب شده است.

مسجد جامع رنگرزان مسجد جامعی در شهر اصفهان بود که روی خرابه‌های آن مسجد جورجیر و بعد از خرابی مسجد جورجیر مسجد حکیم فعلی روی آن بنا شده و تا قرن سوم هجری وجود داشته شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی در آن جامع منبر می‌رفته.

مسجد نصرآباد واقع در غرب اصفهان که دارای کاشی‌هایی با تزیینات بسیار زیبا بود که به مرور ایام از بین رفته و اثری از آن نیست.

مسجد بزرگ محله نو قبل از دوران صفویه وجود داشته و شانزده قفیز مساحت داشته و در گوشه آن تکیه و بقعه شیخ عبدالله انصاری فقیه متوفی سال ۸۹۰ هـ ق واقع و پس از آن که محل تبدیل به مسجد شد سنگ قبر را به دیوار نصب کردند ولی از زمان نادرشاه به بعد از بین رفته است.

از مساجدی که از بین رفته مسجد جامع جورجیر است که این مسجد را صاحب بن عباد ملقب به کافی‌الکفیات در قرن چهارم هـ ق در محلی که هم اکنون مسجد حکیم یا مسجد حکیم داوود است بنا کرده. مافروخی در کتاب محاسن اصفهان پس از توصیف مسجد جامع عتیق بزرگ یعنی قسمت‌هایی از مسجد جامع امروز که تا اواخر قرن پنجم هجری ساخته شده بود. به وصف مسجد جامع صغیر معروف به (جورجیر) که کوچک‌تر، ولی زیباتر بوده می‌پردازد و می‌گوید که این جامع معروف (جورجیر) بوده و توسط کافی‌الکفیات صاحب بن عباد ساخته شده است. بنابه



اصفهان - مسجد سید

گفته مافروخی این مسجد دارای شبستان‌ها، خانقاه، کتابخانه و مدارسی برای فقها و مجالسی برای ادبا و محل‌هایی برای شعرا و صوفیان و قاریان بوده است.

مافروخی مزیت جامع صغیر را نسبت به جامع کبیر در خاک رسی می‌داند که جامع صغیر از آن ساخته شده و می‌گوید خاک رس جامع صغیر محکم‌تر از خاک رس جامع عتیق است. بالنتیجه مناره‌های آن از حیث بلندی و استحکام ساختمان‌های مسجد جامع صغیر نسبت به ساختمان‌های جامع کبیر برتری دارد. مناره‌های این مسجد که از خشت خام بوده با ارتفاع صد ذراع رسیده است. (مقدسی در کتاب خود ارتفاع مناره‌ها را هفتاد ذراع نوشته است).

مافروخی در وصف مسجد جوء جوء می‌نویسد:

«آن مسجد را مناری بس بلند و متقن بوده و گمان می‌رود یا در فتنه مغول یا در قتل عام امیر تیمور ویران کرده باشند، یا قتل عام امیر جهان‌شاه ترکمان یا جنگ‌های داخلی مذهبی چون غالباً این‌گونه مناره‌ها در شهر و بیابان برای استفاده از خیر یافتن و خیر دادن دشمن و نتایج دیگر ساخته می‌شد. اگر همین محل مسجد جوء جوء باشد. چون صاحب بن عباد کراراً می‌نویسد. نزدیکی دروازه طوقچی که بزرگ‌ترین دروازه‌های کهن اسپهان بود و گنبدی آجری عالی و شیرسنگی داشت مقبره صاحب بن عباد و صندوق لوحش می‌باشد که در حوالی خانه معروف او بود و چیزی بر آن ننوشته‌اند و چندین ذراع پایین‌تر گنبدی بود که سنگ مرمر بسیار ممتازی با خط نفیسه بر آن منقوش شده و بر آن نیز نام صاحب منقوش بود اما لفظ اسمعیل نداشت و تاریخش خوانده نمی‌شد.»

جسابری انصاری می‌نویسد: «اسمعیل بن عباد مسجدی به نام جوء جوء ساخت که در محل گلپهار بوده بعد از ویرانی‌های قرون، حکیم داود هندی اساس آن مسجد را تغییر داده بزرگ‌تر نموده و به مسجد حکیم معروف شده. محمد مهدی هم آن را به حکیم

داود هندی نسبت داده که در زمان شاه عباس آن را بنا و به اتمام رسانیده است.» سید جلال می‌نویسد: می‌گویند این مسجد را صاحب بن عباد بنا نموده و حکیم داود هندی تعمیر نموده است.»

مسجد جامع جورجیر چون در انتهای بازار رنگرزان واقع شده بود بنا بر این مسجد جامع را رنگرزان نیز گفته‌اند. مسجد جامع رنگرزان به مرور ایام از بین رفته و فقط سردری از آن باقی است که در حال حاضر یکی از درهای مسجد حکیم است.

به طوری که ابونعیم اصفهانی در قرن چهارم و پنجم و صاحب‌الباب فی تهذیب الانساب و یاقوت حموی در قرن هفتم نوشته‌اند: «در شهر اصفهان محله‌ای بود به نام جورجیر که در همان محله جامع جورجیر بنا شده و تا زمان یاقوت دایر بوده است بدین سبب این مسجد به نام جورجیر شهرت یافته و محله مزبور از آبادی خوبی برخوردار و دانشمندان و زاهدان زیادی در این محله زیست کردند.»

مسجد حکیم اصفهان را حکیم داود ملقب به تقرب خان طبیب شاه عباس دوم بنا نهاده و در سال ۱۰۷۳ ه. ق. ساختمان آن را به پایان برد.

اصفهان شهری بود که از مجتمع‌های روستایی به وجود آمده بود و در حدود سال‌های ۳۰ ه. ق. مردم این شهر اسلام را پذیرفتند و دیری نپایید که صاحب مسجد و منبر شدند.

بنیانگذاری مسجد جامع اصفهان را در حدود سال ۶۵۶ ه. ق. می‌دانند و این زمان مذهب رسمی مردم اسلام و مسجد جامع مرکز مذهب، علم و امور اجتماعی جامعه شد.

مسجد جامع اصفهان در شمال شرقی شهر و انتهای بازار بزرگ واقع شده و قریب به ده جریب وسعت دارد (یک هکتار) مسجد جامع در قرن سوم ه. ق. به صورت یک مرکز فرهنگی درآمد. اصفهان در این زمان دو مسجد جامع داشت که اولی مسجد جامع



که می‌تواند خواسته‌ها را برآورده سازد جایگزین ساختمان‌های قدیمی گردید.

قدیمی‌ترین تاریخی که تاکنون در مسجد جامع اصفهان به دست آمده تاریخ سال ۴۸۱ ه. ق. که این تاریخ در انتهای کتیبه مدور گنبد است که از دوره سلجوقیان است.

مسجد جامع اصفهان قدیمی‌ترین تاریخ را در میان بناهای باقی‌مانده از دوران گذشته دارد گنبد دیگری که شبستان محراب اصلی را مسقف کرده تاریخی ندارد ولی نام فرمانروایی که در زمان او گنبد ساخته شده آمده است «معزالدنیا و الدین ابوالفتح ملک‌شاه محمد بن داود»

بزرگ و دومی مسجد جامع کوچک که با تزیینات خاصی ساخته شد. توصیف مسجد دوم همان که کوچک‌تر و شکیل‌تر بود به مسجد جامع جورجیر مشهور بود که توسط صاحب‌کافی‌الکفایت که یکی از القاب ابوالقاسم اسماعیل بن عباد وزیر مشهور مویدالدوله و فخرالدوله از سلاطین آل‌بویه بود که به سال ۳۲۶ ه. ق. ۹۳۸ م متولد شده بود و در سال ۳۸۵ ه. ق. ۹۸۵ میلادی در اصفهان درگذشت، ساخته شد. در سال ۲۲۶ ه. ق. مسجد جامع به دومین مرحله بازسازی خود دست یافت، و تحولات تازه‌ای در آن صورت گرفت مسجد خراب و ساختمان‌های جدیدی

که از سال ۴۶۵ تا ۴۸۵ ه. ق (۱۰۷۲ - ۱۰۹۲ میلادی) سلطنت کرد و نیز نام وزیر او «حسن بن علی بن اسحق نظام‌الملک» در آن دیده می‌شود.

جامع اصفهان را گاهی به مسجد جامع و گاهی به مسجد جامع عتیق نام برده‌اند در عصر سلطنت ملکشاه سلجوقی فرمانروا و وزیر او خواجه نظام‌الملک بنای گنبدداری را پایه نهاد که امروزه آن را گنبد نظامیه می‌نامند در سال ۴۸۱ ه. ق (۱۰۸۸ - ۱۰۸۹) تاج‌الملک که بعد از نظام‌الملک وزیر همین پادشاه شده بود گنبد خاکی را پی‌افکنند.

مسجد جامع اصفهان همانند دیگر مساجد هم‌زمان خود صحنی در وسط و شبستان‌هایی اطراف این صحن را محاط می‌کرد.

مسجد جامع اصفهان بزرگ‌ترین مرکز علمی زمان خود بود و دارای کتابخانه عظیمی بود که این کتابخانه محتوای تمام کتب زمان خود بود. مسجد دارای ملحقاتی برای پذیرایی از مسافران به‌طور ابن‌السبیل بود. تغییرات در مسجد جامع اصفهان همیشه هم‌زمان با رویدادهای مهم تاریخی بود که شهر با آن مواجه می‌گشت. حرکت تشیع در قرن چهارم ه. ق و ظهور آل‌بویه بود که اصفهان را یکی از مراکز مهم فرمانروایی خود کردند. در این زمان بود که الحاق‌هایی به مسجد جامع صورت گرفت و مسجد توسعه یافت و بناهایی که به اطراف صحن اضافه کردند و روسازی و نماسازی اطراف صحن شکل گرفت.

در سمت شمال و شرق و غرب دو دستگاه ساختمان قدیمی بود که گنبد خاکی را در شمال پی‌ریزی کردند و بنابه گفته ابن‌اثیر در سال ۵۱۵ ه. ق (۱۱۲۱ - ۱۱۲۲ میلادی) باطنیون مسجد جامع را به آتش کشیدند و ساختمان‌های شرقی و جنوبی طعمه حریق شد و سوخت. دو ساختمان و گنبدی که با مصالح ساختمانی مجزا از سایر قسمت‌ها ساخته شده بود سالم ماند.

در قرن پنجم ه. ق بعد از حریق بود که مسجد را بازسازی کردند. در این زمان بود که به دستور ملکشاه مسجد به چهار ایوانی تبدیل گشت.

چهار ایوانی کردن مساجد از شیوه معماران ایرانی بود بعد از چهار ایوانی کردن مسجد جامع چهار ایوانی کردن مساجد در ایران معمول گشت.

در سال ۷۰۱ ه. ق (۱۳۱۰ میلادی) به کمک محمد ساوجی وزیر العجایو خدابنده محراب گچی شبستان غربی ساخته شد و در زمان سلطنت قطب‌الدین شاه محمود شبستان العجایو به دست معماران چیره‌دست پایه‌گذاری شده است. در سال ۸۵۱ سلطان محمد فرزند بایسنقر شبستان زمستانی را در محل قسمتی از ساختمان قدیمی ساختند سپس شاه عباس اول بر آخرین قسمت‌های خالی موجود شبستان ستونی و نمازخانه جنوب غربی را ساخت.

از نوشته‌هایی که در کتیبه متعلق به سال ۸۸۰ ه. ق (۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ میلادی) ابوالنصر بهادرخانه آق‌قویونلو که بیشتر به اوزون حسن شهرت دارد به تعمیر بخش‌های خراب شده اقدام و بازسازی سقف رفیع یعنی طاق ایوان جنوبی به منظور جلوگیری از ویران شدن آن فرمان داد. و همچنین تغییراتی در نمای داخلی مسجد به وجود آورد که بخش اعظم آن هنوز باقی است. بعدها در زمان‌های مختلف مانند زمان شاه طهماسب شاه عباس اول و دوم... به تعمیرات این مسجد اقدام کردند و به‌طور مثال شاه سلطان حسین ایوان غربی را تعمیر کرد و بنا بر مفاد کتیبه‌ای که متعلق به سال ۱۱۳۹ ه. ق (۱۸۲۶ - ۱۸۲۷ میلادی است) که در مدرسه پشت مسجد قرار دارد اشرف افغان به تعمیر مسجد اقدام کرد و اینک آجرکاری‌های مسجد جامع که در قسمت‌های مختلف مسجد انجام گرفته هنوز باقیست.

بنا بر آنچه رفت مسجد خلفای عباسی از لحاظ مواد ساختمانی با مسجد کنونی که از آجرهای مرغوب و

پخته شده در کوره هیچ وجه اشتراکی ندارد و بنا از استحکام برتری نسبت به سابق برخوردار است.

در دوره تیموریان، در عصر سلطان محمد فرزند بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ گورکانی، شبستانی به شکل خیمه‌ای در پشت ایوان غربی در سال ۸۵۱ ه. ق به دست عماد بن مظفر ورزنه ساخته شد که به دارالشتاء یا شبستان زمستانی معروف است و نور آن به وسیله سنگ‌های مرمر که در وسط هر طاق قرار دارد تأمین می‌شود.

بعد از خرابی مسجد جامع جورجیو در دوران صفویه اصفهان دارای سه مسجد جامع گردید اولی مسجد جامع عتیق که انتهای بازار بزرگ بود و با ساختن مسجد شاه و مسجد حکیم که روی خرابه‌های مسجد جورجیو بنا شده بود اصفهان به سه مسجد جامع دست پیدا کرد.

مسجد امام (شاه): این مسجد در محله‌ای به نام مسجد امام (شاه) و در جنوب میدان نقش جهان واقع گردیده و از بناهای شاه عباس اول می‌باشد. مسجد امام (شاه) را به نام مسجد جامع عباسی نیز گفته شده است: «از مساجد بزرگ اصفهان جامع عباسی است که به مسجد شاه معروف است و در سمت جنوب میدان نقش جهان است آن را شاه عباس بزرگ هفده سال قبل از وفات و انقضای زمان سلطنت خود شروع به عمارت نموده و تاریخ اتمام آن را متعرض نشده‌اند که خود او به اتمام رسانیده یا دیگری از اخلاف او تمام نموده است و مذکور در افواه مهندسان و معماران مشهور میان ایشان آن است که محوطه مسجد را تمام کرده به آب رسانیده‌اند و از آنجا با سنگ و ساروج ساخته به محاذات زمین رسانیده‌اند و بنای جدا و سقف نهاده برای این مسجد بزرگ سه گنبد و چهار ایوان عالی ساخته‌اند و ایوان سمت قبله عالی‌تر و گنبد آن وسیع‌تر و رفیع‌تر است و از جمله ابنیه منیع‌تر بر دو طرف این ایوان یعنی سربالای آن دو مناره زیبا

ساخته‌اند که در آن اذان هم توان گفت. مسجد از داخل و خارج کاشی‌کاری و ازاره‌های آن سنگ مرمر است و صحن آن را از سنگ پارسی متعارف فرش نموده‌اند و این مسجد را سردری است عالی با کمال زیبایی و بالای آن سنگ مرمر و سر آن را مقرنس کاشی سنگین که از آن بهتر متصور نباشد در نهایت تکلیف به طرف میدان ساخته‌اند و دری که روی آن تنکه نقره گرفته و دور آن کتیبه که می‌گویند خط رشیدای خوشنویس است و آن را کرده نموده و بر آن کنده‌اند بر آن نصب و مرتب داشته و دو دروازه دیگر هم در آن دو صحن شاه سلیمانی به طرف محله درست نموده و گشاده‌اند و دو شبستان نیز یکی از آنها بزرگ و قابل تعریف است و دیگری کوچک‌تر به طرف مشرق و مغرب آن درست و مرتب کرده‌اند. طول این مسجد یکصد و چهل و شش (۱۴۶) ذرع شاه و عرض آن هشتاد و چهار (۸۴) ذرع است. گلدسته این مسجد را که موضع اذان است بر بالای ایوان مغربی ساخته‌اند، بسیار بزرگ و خوش‌نما از آن بهتر متصور نباشد و بالجمله به استحکام و درستی و زیبایی این مسجد در ایران بلکه سایر ممالک جهان موجود نیست.

در سال ۱۰۲۵ ه. ق بخش سر در از مسجد کامل شد و آن‌طور که نوشته‌اند در سال ۲۶ زیربنای مسجد پی‌ریزی گردید به همین دلیل سر در مسجد دارای دو کتیبه است که یکی متن عادی مربوط به بنیانگذار بنا ۱۰۲۵ ه. ق و دیگری به هنگام پایان همه را نشان می‌دهد و کتیبه دوم که حروفش کوچک‌تر و به خط ثلث است و تاریخ ندارد ولی در متن به وضوح مطالبی راجع به پایان کار مسجد نوشته شده و مهندس و معمار مسجد را به نام استاد ابی‌علی اکبرالاصفهانی و خط رضا امامی ذکر کرده است. آخرین تاریخ حک شده در ایوان غربی که حاکی از پایان بخشی از بنا، دارای تاریخ ۱۰۴۰ ه. ق و آخرین تاریخ ثبت شده روی کاشی‌های مسجد است که می‌توان نتیجه گرفت که ساختمان مسجد در

این تاریخ به پایان رسیده است. گویند در زمان مرگ شاه عباس ساختمان مسجد تقریباً به پایان رسیده بود ولی به فرمان شاه صفی در این زمان هنوز در آن کار می‌کردند.

سلطان محمد پدر شاه عباس قصد ساختن مسجد جامعی را داشت و شاه عباس در راه پدر قدم برداشت و برای زیبایی بیشتر میدان تصمیم به ساختن مسجد کرد و این زمانی انجام شد که مسجد شیخ لطف‌اله ساخته شده بود.

ساختمان بنای مسجد شیخ لطف‌اله پانزده سال طول کشیده بود و شاه عباس نمی‌خواست زمان زیادی برای مسجد امام (شاه) داشته باشد بنابر این برای ساختمان مسجد بسیار شتاب می‌کرد به طوری که در اول قرار بود با نظر استادان فن کاشی‌کاری مسجد از کاشی معرق انجام گیرد ولی با عجله‌ای که شاه داشت از کاشی خشت هفت رنگ استفاده کردند نصب کاشی‌های هفت رنگ و کاشی‌های معرق تفاوت زمانی فاحشی را به دنبال داشت. کندن سنگ‌های مرمر مسجد جامع و مخالفت علما بزرگان شاه عباس را نگران کرد ولی با رسیدن خیر سنگ‌های مرمر اردستان مشکل برطرف شد و در دو طرف سردر زیبا و باشکوه مسجد دومناره بلند به ارتفاع ۴۸ متر قرار دارد که مسجد را بسیار باشکوه کرده است.

از مساجدی که بعد از اسلام ساخته شد و اثری از آنها نیست مسجد خرابه‌ای بود که مسجد شیخ لطف‌اله بر روی آن ساخته شد و منظره میدان نقش جهان را دو چندان زیبا می‌کرد با این که این مسجد از نظر مساحت با مساجد دیگر قابل قیاس نیست و در مساحتی به طول ۳۲ و عرض ۲۶ متر ساخته شد ولی از نظر زیبایی بی‌نظیر است.

مسجد شیخ لطف‌اله با یک راهرو که به طرز زیبایی طراحی و ساخته شده ورود به مسجد را از شمال قرار داده و این در درست مقابل به محراب است گنبد

مسجد شیخ لطف‌اله از نظر زیبایی مورد توجه خاص و عام است و جهانگردان راجع به گنبد و زیبایی‌های مسجد شیخ لطف‌اله قلم‌فرسایی‌ها کرده‌اند.

ساختن مسجد شیخ لطف‌اله با طرح‌ریزی چهارباغ و ساختمان پل اللهوردی هم زمان بود. گویند در زمان شاه عباس در حاشیه میدان شاه و روبه‌روی کوشک تیموری مسجدی بر پا می‌داشتند که در آن زمان به مسجد صدر یا مسجد شیخ فتح‌اله می‌خواندندش ولی امروزه عمدتاً به مسجد شیخ لطف‌اله شهرت یافته است.

مسجد حکیم مسجد جامع سومی بود که در اصفهان ساخته شد این مسجد به امر حکیم محمد داود طبیب شاه عباس دوم بین سال‌های ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ ه.ق ساخته شد.

در کتاب نصف جهان فی التعریف الیصفهان چنین آمده است:

«مسجد جامع سوم موسوم به مسجد حکیم است که الحال در محله‌ای آباد و تقریباً وسط شهر و نزدیک بازار واقع شده و آن محله به آن منسوب است و آن را مسجد حکیم داود نام‌گذارده‌اند که شخصی طبیب بوده و به هندوستان رفته، سال‌ها مشغول طبابت بوده است و در آنجا دولت بسیار حاصل نموده و به ایران مراجعت کرده و موفق به ساختن این مسجد جامع شده است و در زمان شاه عباس ثانی آن را بنا و به اتمام رسانیده است. طرف قبله آن گنبدی است و دو طرف آن دو صفت و ایوانی مواجه مشرق شبستانی ساخته شده است و ایوان دیگر مواجه قبله با دو ایوان و دو مهتابی بزرگ است که در این سال‌ها برای آن درست کرده‌اند و حوضی بزرگ که به وضع قدیم داشت تغییر داده و به طرز این زمان ساخته‌اند که مسجد آجر است و کاشی کمی در آن به کار برده‌اند. این مسجد را چهار در است، دو به طرف شمال و یکی به جانب مغرب و یکی به سمت مشرق.»

در تاریخ اصفهان و ری (ص ۲۲۳) چنین آمده است «دیگر از مساجد بزرگ اصفهان عهد صفویه مسجد حکیم داود اسپهانی معروف به هندی است. مسجدی با صفا و مقدس و گشاده، نزدیک به هفت هزار ذرع زمین را مسجد و ملحقاتش اشغال نموده است. بنای آن به سلطنت شاه عباس دوم شروع و کاشی کاری و زینتش به عهد شاه سلیمان انجام گرفته است.»

مسجد حکیم با وسعت حدود هشت هزار متر مربع یکی از مساجد بزرگ اصفهان و با هنرهایی که در آن نهفته است ساخته شده مسجد دارای چهار در است که یک در غربی و به کوچه‌ای که به بازار رنگرزان راه داشت ساخته شده که امروز پس از خرابی خیابانی که در طرف غرب مسجد ساخته‌اند راه پیدا کرده «در شمال یک در آن مقابل سقاخانه با سردری رفیع و بانمایی از آجرکاری و گچ کاری ساخته شده از دوره دیلمیان به جا مانده امروزه یکی از سردرهای مهم مسجد حکیم محسوب می‌شود. دوم در کوچه آیت‌اله کلباسی با سردری رفیع و کاشی کاری‌های متنوع و زیبا ساخته شده است؛ از دیگر هنرهای این مسجد می‌توان از گره کشی در پشت بغل قوس‌ها و سایر قسمت‌های مسجد و خط بنایی‌های زیبا که در انواع مختلف و در مکان‌های مناسب نقش بسته و محرابی بسیار زیبا در زیر گنبد و منبری که از چوب با گره کشی و خط بنایی ساخته‌اند نام برد. خصوصیات این مسجد را نویسنده در کتابی به نام (معماری مسجد حکیم) به رشته تحریر در آورده و در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

هنر در زمان صفویه از رشد به سزایی برخوردار بود کاشی کاری رونق گرفت و انشعاباتی از آن به وجود آمد گره کشی، معقلی، اسلیمی، خط بنایی و دیگر هنرهایی که کاشی کاری را پوشش می‌داد. هنر معرق کاری در این زمان به اوج خود رسیده بود خط بنایی انشعاباتی گرفت و تقسیماتی در آن صورت دادند

و هر چه توانستند زیباتر نوشتند که آثار آن هنوز در اصفهان باقی است.

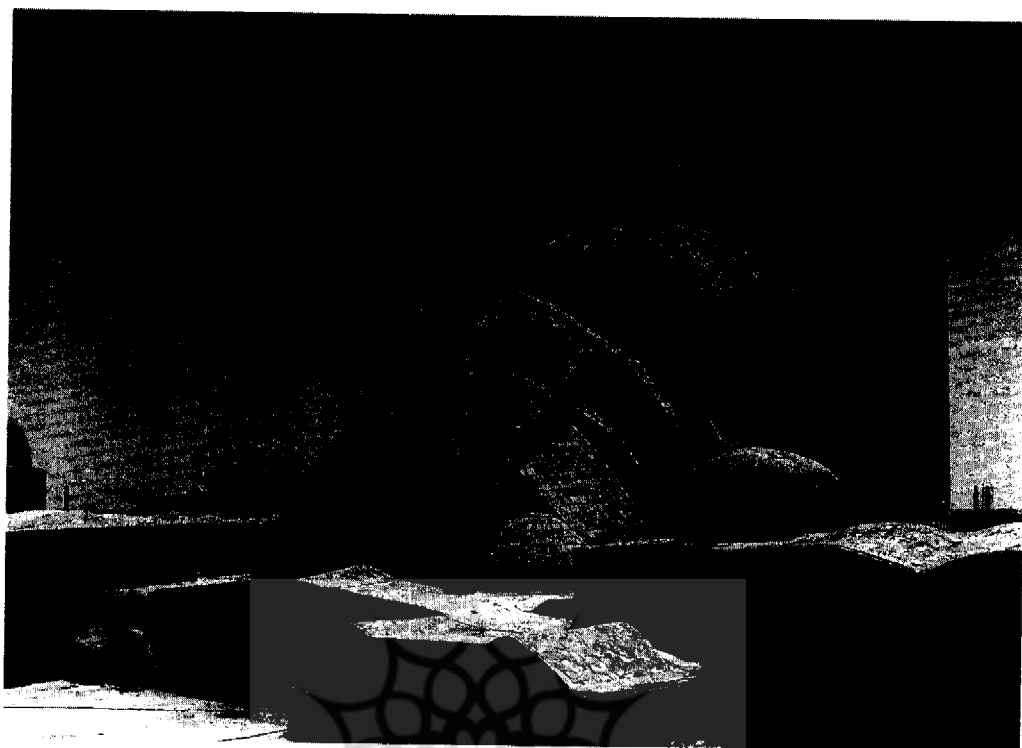
بعد از انقراض سلسله صفویه مسجدسازی رو به رکود رفت و مساجدی که ساخته می‌شد کوچک و محقر ولی بعضی از آنها از معماری و تزیینات خوبی برخوردار بود.

بعد از انقراض سلسله صفویه وضع بد اقتصادی کشور و دگرگونی‌هایی که در همه با احوال به وجود آمد کارها به رکود کشیده شد به طور کلی هنر در یک حالت خلسه فرو رفت نه ابتکاری و نه نوآوری در هیچ هنری مخصوصاً در کاشی کاری انجام نگرفت و کاشیکاران برای دل مشغولی خود به کار گره کشی می‌پرداختند، این وضع حدود دو قرن به طول انجامید. مسجد سازی رو به رکود رفت و مساجدی که ساخته می‌شد کوچک و محقر ولی بعضی از آنها از معماری و تزیینات خوبی برخوردار بود.

عده‌ای از کاشی کاران به کاشی های گل و بوته‌ای و تصاویر انسانی و حیوانی و مناظر بدیع رو آوردند که در عمارات و قصرهای شاهی و بزرگان و سر در ادارات را تزیین کردند.

در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم مرحوم حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی یکی از روحانیون به نام عالم تشیع به سال ۱۱۸۰ ه. ق در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار که با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آیت‌اله کلباسی معاصر بود و داستان‌هایی راجع به زهد و تقوای نامبرده بر سر زبان‌ها بود و هست بنای مسجدی بس عظیم را در محله بیدآباد اصفهان پایه‌ریزی کرد.

محله بیدآباد در شمال شهر و شمال رودخانه زاینده رود که از محلات آباد و پرجمعیت اصفهان و از زمان صفویه در حصار شهر بوده است. در این محله علماء، فضلا، بزرگان، دانشمندان و محدثاتی چه پیش از صفویه چه بعد از صفویه برخاسته‌اند و اماکن



▲ ▼ اصفهان: مسجد جامع



تاریخی زیادی را بنا نهاده‌اند.

بیدآباد بازاری است با چهارسوق و دارای طاق‌های آجری (ضربی) و گنبدی شکل که بالای چهارسوق آن قرار داشته است. بیشتر این بازار در مسیر خرابی خیابان مسجد سید قرار گرفت و از بین رفت و در حال حاضر قسمتی از آن باقی است. مسجد سید در ضلع جنوبی خیابان و در فاصله کمی از خیابان چهارباغ واقع است. ساختمان مسجد زیر نظر مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمدباقر شفتی به اتمام رسید لیکن بخشی از تزئینات آن ناتمام ماند که به مرور ایام و تا این زمان ادامه دارد.

گنبد اصلی روی شبستان جنوبی ساخته شده و طرفین آن دو چهل ستون ساخته‌اند بالای ایوان جنوبی یک، مادر ساعت قرار دارد که صدای زنگ آن تا محله‌های دور دست شنیده می‌شود. داخل شبستان محرابی بس زیبا که می‌توان گفت از بهترین کاشی‌کاری دوره قاجاریه است. طرح‌ریزی شده ازاره محراب از سنگ مرمر و دو نبش محراب را دو گل‌دان بسیار زیبا تراشیده‌اند که کاشی‌های پیچ از دو طرف در امتداد قوس محراب سر به هم نهاده و مقرنسی بسیار ظریف کاسه قوس را پر کرده و باگره‌کشی و کاشی هفت رنگ دیواره مقرنس را گره‌سازی و بدنه محراب را از کاشی‌های هفت رنگ گل و بته‌ای به طرز بسیار زیبا که نظیر آن را در هیچ‌جا نمی‌توان یافت پر کرده‌اند.

مسجد سید دارای چهار در ورودی است، در شمالی که آن را در اصلی می‌گویند بزرگ‌ترین سر در این مسجد است و به در زنجیر نیز مشهور است در رفیع با دو سکو از سنگ پارسی که در طرفین در با تزئیناتی از کاشی هفت رنگ گل و بته و کتیبه‌هایی به خط ثلث، جای گرفته‌اند. مقرنس‌کاری و کاشی‌های هفت رنگ این سر در اواخر قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم به دست هنرمندان اصفهانی ساخته شده و کتیبه‌های اطراف آن به خط ثلث سفید و زرد، بر زمینه

کاشی‌های لاجوردی نوشته شده‌اند و شامل سوره‌های قدر، کوثر، جمعه و بعضی از آیات سوره یاسین و آیه‌الکرسی می‌باشد. نویسنده این خطوط مرحوم حجت‌الاسلام حبیب‌اله فضائلی از خطاطان به نام اصفهان و جواد علی کربلایی ذکر شده است. نام کاشی‌پز آن سیدحسین موسوی و به تاریخ ۱۲۷۷ و ۱۳۳۷ نوشته شده است.

سر در جنوب غربی سردری است رفیع، مزین با کاشی‌های هفت رنگ «و کتیبه‌ها و اسپرهای مکتوب، خط کتیبه‌های این سر در به نام محمد باقرالشیرازی فی محرم الحرام سنه ۱۳۱۱»

خطوط سر در ار کتیبه‌های داخل گنبد، که به قلم محمد باقرالشیرازی است گرده برداری شده است.

در اسپرهای طرفین این سر در، اشعار زیر به خط نستعلیق سفید بر زمینه زرد کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است.

... کشاد باد عنایات ایزد مستعال
دری نهاد سلیمان به مسجد اقصی
که باب کعبه فیض است و قبله اقبال
یکی ز غیب به تاریخ آن درآمد و گفت
گشود باز خدا باب کعبه اجلال
«عندالذنب اسدالله غفران و سترذنوبه سند ۱۳۱۱»
توضیح آن که کاشی‌های مصرع اول از بین رفته است.

در جنوب شرقی (در حمام دوقلو) با جلوخانی وسیع از کف کوچه سه پله بلندتر است. سر در حمام دوقلو مانند نگینی در طول کوچه می‌درخشد و با کاشی‌های هفت رنگ از گل و بته و کتیبه‌های متنوع تزئین شده است در طرفین در دو حجره قرار دارد که با پنجره‌های مشبک چوبی تزئین شده و درها به طور قائم حرکت می‌کند (ارسی)

کتیبه‌ها به خط محمد باقر الشیرازی به خط ثلث بر زمینه لاجوردی تزئین شده است.

در اطراف سر در اشعاری به خط نستعلیق نوشته شده که از مقاله ما خارج است.

در شمال شرقی، دری که از مقبره حجت‌الاسلام شفتی وارد راهرو شرقی و سپس به صحن مسجد داخل می‌شود.

از در شمالی با در زنجیر که وارد هشتی می‌شویم سنگی آبی نصب شده که اطراف آن به شکل کتیبه حکاکی شده است.

مسجد سید اصفهان چهار ایوانی است. ایوان شمالی با کاشی‌های خشت گل و بته و نقش اسلیمی و کتیبه‌هایی در داخل و خارج تزئین شده، ایوان جنوبی در جلو شبستان زیر گنبد واقع است. ایوان‌های طرفین شرق و غرب، که در جلو دو شبستان زمستانی قرار دارند، عمق این دو ایوان در حدود دو متر است و هر دو ایوان از تزئینات گره کاری خاصی برخوردارند.

دو شبستان بزرگ در طرفین مسجد در شرق و غرب که از کف مسجد گودتر ساخته‌اند قرار دارد که با پله‌های کف مسجد ارتباط برقرار می‌کند. نور شبستان‌ها از طاق‌نماهایی که از شبکه‌های آجر ساخته شده تأمین می‌شود. چهار مهتابی، دو مهتابی در طرف شرق و دو مهتابی در طرف غرب با حجره‌هایی که اطراف آن ساخته شده کاشی‌کاری و گره‌کشی و خط بنایی‌هایی بس زیبا تزئین شده است. حجره‌ها برای طالبان علم است که در آنها سکنی کنند.

صحن مسجد سید از چهار طرف با ایوان‌های رفیع و طاق‌نماهای شبستان‌های شرق و غرب، محاط شده که همه از کاشی‌کاری‌های رنگارنگ و درهای چوبی گره‌سازی شده، زینت یافته است در وسط صحن حوضی بزرگ تعبیه شده که اطراف آن از سنگ پارسی و تراشی بسیار زیبا می‌باشد. دو مهتابی وسیع به ارتفاع چهل سانتی‌متر از کف صحن مسجد ساخته‌اند. و اطراف آنها را با سنگ پارسی محکم کرده‌اند.

مدفن حجت‌الاسلام حاجی سید محمد باقر شفتی

بانی مسجد سید در گوشه شمال شرقی مسجد است. آرامگاه ترکیبی است از بقعه و رواق که درون هر یک با تزئینات کاشی‌کاری و آجرکاری و نقاشی و گچ‌بری‌های بسیار زیبا آراسته شده کاشی‌ها از کاشی هفت رنگ و گل و بته می‌باشد، یک در زنجیر در شمال دارد. سر در مقبره با دو سکو از سنگ پارسی و کاشی‌کاری بسیار زیبا ساخته شده است. بعد از ورود از در زنجیر، صحن سرپوشیده‌ای بسیار زیبا با کاشی‌کاری‌های متنوع چشم را خیره می‌کند از جنوب غربی این صحن دری به راهرو شمالی مسجد سید دارد. پنجره مشبک بسیار زیبایی با نقش‌های درهم پیچیده حرم اطراف مقبره را با ایوان شمال شرقی مسجد از هم جدا می‌کند داخل حرم ضریح مشبکی از پولاد قرار دارد و حرم از نقاشی‌های بسیار زیبا برخوردار است.

از مسجد سید تعریف و ستایش بسیار شده که در این مقاله گنجایش ندارد در روضات‌الجنان و روضه‌البهیة و قصص‌العلما و دیگر کتب فقط ذکری از این مسجد شده و گفته‌اند مسجد با عظمتی است.

این مسجد با عظمت را باید از نزدیک مشاهده کرد تا آنچه گفته‌اند که دلیل به همت بلند بانی آن است را به رای‌العین مشاهده نمود.

مساجد در هر کجای ایران که باشند جزو آثار گران‌بهای این مرز و بوم هستند ولی ما از چهار مسجد جامع اصفهان سخن به میان آوردیم.

به اختصار یادآور می‌شویم که حدود سی و چهار مسجد از مساجد اولیه اصفهان که به دست بانیان خیر ساخته شده بود خراب و یا دست‌خوش حوادث گردیده و از بین رفتند و بعضی از آنها دوباره‌سازی شده‌اند و یا با ساختمان جدید تغییر نام گرفته و تا اواسط قرن چهاردهم حدود سیصد و پنجاه مسجد در اصفهان و حومه آن به دست خیرین ساخته شده است که جزء آثار باستانی ایران به ثبت رسیده‌اند.